

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳-۳۰

بررسی مقایسه‌ای نقش دو تیره بنی فهر در تحولات صدر اسلام (با تکیه بر عملکرد صحابیان آن‌ها)^۱

رضا کردی^۲

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زرنده، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، زرنده، ایران

چکیده

در آغاز دعوت اسلامی، بنی فهر بن مالک با دو شاخه حارث و محارب، کهن‌ترین شاخه از قبیله قریش به شمار می‌رفت. در آن روزگار، طایفه بنی فهر که در حاشیه شهر مکه می‌زیست، به شبیخون بر ضد دیگر قبایل می‌پرداخت. در جستار کنونی در صدد یافتن پاسخی به این پرسش هستیم که آیا کنش آن دسته از صحابیانی را که به بنی حارث و بنی محارب منسوب‌اند، می‌توان در یک چارچوب قبیله‌ای و خاندانی تحلیل کرد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، گرایش‌ها و رفتارهای بزرگان هر یک از دو شاخه خاندان فهری در حوزه فکری، اجتماعی و سیاسی به کدام جریان متمایل بوده است؟ این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از جدول توزیع فراوانی انجام شده، نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی بنی حارث، پیشگامی در پذیرش اسلام و همراهی با مسلمانان نخستین در رخدادهایی هم‌چون هجرت به حبشه بوده است. در مقابل، بنی محارب با تأخیر فراوان و به‌طور عمده پس از فتح مکه به دست مسلمانان، در شمار پیروان آیین جدید درآمدند. اما آنچه میان هر دو شاخه فهر مشترک است، روحیه جنگاوری است. برخی از نام‌آورترین فرماندهان نظامی در روزگار خلیفه‌های نخستین و بنی امیه هم‌چون ابوعبیده جراح، حبیب بن مسلمه، عقبه بن نافع و ضحاک بن قیس- فاتحان بزرگ شام، آسیای صغیر، مصر و شمال آفریقا- از این شاخه معروف قریش بوده‌اند. آنان نسبت به جریان حاکم هم‌سو و در پشتیبانی از نظریه «حاکمیت قریش» تعصب داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: آل فهر، قبایل عرب، قریش، صحابه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۰.

۲. رایانامه: rezakordi275@chmail.ir

مقدمه

شناخت وضع قبیله‌ای مکه و حجاز هم‌زمان با آغاز عصر رسالت می‌تواند رهیافتی صحیح‌تر برای درک واقعی‌تر رخداد‌های پس از ظهور اسلام باشد. حجاز و مکه بر اساس بافت قبیله‌ای شکل گرفته بود و رفتارشناسی مردمان آن دوره نیز تا حد بسیاری برآمده از عصبیت‌ها و پیوندهای قبیله‌ای و خویشاوندی بوده است. همین امر اعتبار دانش نسب‌شناسی را در میان آنان موجب می‌شد. علم انساب شاخص تلاش عرب برای حفظ این بنیان اجتماعی بوده است^۱ و داده‌های این علم راه‌گشای مناسبی برای درک رابطه هم‌خونی و زیست قبیله‌ای با رفتارهای اجتماعی و موضع‌گیری‌های سیاسی است.

بنی فهر بن مالک کهن‌ترین شاخه قریش در روزگار ظهور اسلام بوده است. آنان در هیچ یک از افراد سلسله نسب خود جز در جد بزرگشان فهر بن مالک بن نصر بن کنانه با دیگر تیره‌های قریش پیوستگی نداشته‌اند. بدین ترتیب باید گفت همه قرشیان از آل فهر بوده‌اند و به باور نسب‌شناسان هر کسی که نسبش به فهر نمی‌رسیده، قرشی شمرده نمی‌شده است؛^۲ ولی کسانی که در متون تاریخی صدر اسلام به‌طور خاص «فهری» خوانده شده‌اند، که نه از طریق لؤی بن غالب، بلکه از طریق دو عموی او به نام‌های حارث و محارب به فهر نسب برده‌اند. بدین ترتیب دو تیره بنی حارث و بنی محارب شاخه‌های اصلی آل فهر به شمار می‌روند.

فهریان هم‌چون سایر تیره‌های قریش و اعراب جزیره‌العرب، واکنش‌های متفاوتی به دعوت دینی پیامبر(ص) از خود بروز داده‌اند؛ هر چند که گروهی از آنان به دشمنی با پیام‌آور این دعوت برخاستند، می‌توان اسامی افرادی از درون خانواده‌هایی را یافت که دعوت پیامبر را پذیرفته و در راه پیشبرد آن تلاش کرده‌اند. در پژوهش کنونی به دنبال یافتن پاسخی به این پرسش هستیم که آیا رفتار وابستگان به دو شاخه بنی حارث و بنی محارب از خاندان فهر را - که به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند- می‌توان در یک چارچوب قبیله‌ای و خاندانی و نه فردی تحلیل کرد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، هر یک از این دو شاخه از «فهر» چه واکنش‌هایی در برابر آغاز دعوت دینی پیامبر نشان داده است و نقاط افتراق و اشتراک هر کدام از دو تیره در برخورد با اسلام چیست؟

۱. رحمتی، ۲۲۰.

۲. ابو الفرج، ۳۴۶/۱۲؛ النص، ۵۹۱.

یکی از اهداف تحقیق حاضر آن است که دریابیم چه عواملی موجب حفظ نام برخی از افراد شده و صبغه غالب در شخصیت آنان بر اساس ادعاهای طرح شده در منابع تاریخی چه چیزی بوده است. با توجه به مجموع اطلاعات، شش معیار کلی برای سنجش این موضوع در نظر گرفته شده است؛ معیارها اینهاست: شعر و ادب، دانش و روایت، رزمندگی و بهادری، داشتن فعالیت سیاسی و منصب حکومتی، برخورداری از مال و ثروت فراوان، داشتن پایگاه اجتماعی در نظام قومی و عشیره‌ای و داشتن نسبت خویشاوندی یا رابطه ولاء و خدمتکاری با یک فرد معروف و به‌طور خاص شخص حضرت رسول(ص) و یا نزول آیه‌ای از قرآن در شأن فرد که این گروه را در ذیل عنوان «منتسب» آورده سرشماری کرده‌ایم. در نهایت، نتایج به دست آمده از متون تاریخی را به وسیله جدول توزیع فراوانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم.

گفتنی است که عنوان فهری را گاهی بر برخی دیگر از افراد قریش اطلاق کرده‌اند که به تیره‌ای دیگر از قریش نظیر بنی جُمَح منسوب‌اند^۱ و صرفاً نیای بزرگ‌ترشان غالب بن فهر بوده است؛ چنان‌که در برخی از اشعار عرب، لقب «السید الفهری» بر عبد مناف نیای پیامبر اطلاق شده است.^۲ در تفسیر آیه «سأل سائل بعذاب»^۳ واقع از شخصی فهری تبار به نام نُعمان بن حارث یا حارث بن نعمان یا نضر بن حارث یا حارث بن عمرو یاد شده که چون سخن پیامبر مبنی بر ولایت علی بن ابی طالب(ع) به پایان رسید، در مقام اعتراض بر آمد و از خدا خواست اگر ولایت علی فرمان خداوند است، عذابی از آسمان بر او نازل شود.^۴ گمان قوی‌تر این است که داستان درباره نُضیر بن حارث برادر نضر از پسران حارث بن کلداه باشد؛ زیرا هر دو پیشینه دشمنی با رسول خدا(ص) را داشته و افراد شناخته شده‌ای در میان قریش از تیره بنی عبد الدار بوده‌اند.^۵ به‌علاوه، نضر بن حارث در جنگ بدر به دست امام علی(ع) کشته شده است.^۶ روشن است که این دسته از افراد از دایره شمول بحث ما بیرون‌اند.

۱. نک: قرطبی، ۱۱۶/۱۴.

۲. نک: بلاذری، انساب، ۶۶/۱.

۳. معارج/۱.

۴. نک: حاکم حسکانی، ۳۸۱/۲؛ قرطبی، ۲۷۸/۱۸؛ مجلسی، ۱۶۶/۱۸؛ ۳۲۴/۲۵.

۵. نک: طبری، ۵۶۶/۱.

۶. نک: ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۵۲۶-۱۵۲۵/۴.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش توصیفی تحلیلی با تکیه بر تحلیل آماری، محتوای منابع بهره گرفته و کوشیده‌ایم با جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با زنان و مردان خاندان فهری صدر اسلام و روزگار پیامبر(ص)، میزان نقش هر تیره فرعی را در حوزه اجتماع، سیاست و فرهنگ بررسی کنیم. به عبارت بهتر این پژوهش دارای متغیر مستقلی به نام «تحولات سیاسی در زندگی مسلمانان صدر اول» و متغیر وابسته‌ای به نام «صحابیان فهری تبار» است.

شهرت آل فهر قبل از اسلام

قریش در روزگار پیش از اسلام به دو گروه بطاح و ظواهر تقسیم می‌شد. قبایلی چون بنی عبد مناف، بنی عبد العزی، بنی عبد الدار، بنی زهرة بن کلاب، بنی تیم، بنی مخزوم، بنی جمح و بنی سهم که در مرکز هر و پیرامون کعبه می‌زیستند در شمار بطاح و شاخه‌های فهر حارث، مالک، مُحارب، تیم ادرم بن غالب و قیس بن فهر در شمار حاشیه نشینان یا «قریش ظواهر» بوده‌اند.^۱ آنان در کار جنگ و شیخون بوده‌اند؛ در حالی که گروه دیگر، قریشیان معروف به «قریش بطاح»، در کنار حرم و زمین‌های معروف به بطحاء مکه می‌ماندند و از همین روی به عنوان «ضَب» نیز شناخته می‌شدند.^۲ حتی نخستین خبر مهمی که درباره زندگی فهر بن مالک نقل یا برساخته شده، متعلق به نبرد خونین او با حسان بن عبد کلال حمیری است که به ادعای نسب‌نویسان از یمن به وادی مکه آمده بود تا سنگ‌های کعبه را با خود ببرد.^۳

خَطَّاب بن مرداس روزگاری ریاست بنی فهر را برعهده داشت. پسرش ضِرار در جنگ فجار فرمانده بنی محارب بن فهر بود.^۴ روحیه جنگجویی او از سروده‌هایش نیز قابل استنباط است.^۵ است.^۵ او گروهی از هم‌پیمانان قریش و کنانه را گرد آورده بود و به کمک آنان، راهزنی می‌کرد.^۶ می‌کرد.^۶

۱. وتر، ۱۵۸؛ العلی، ۹.

۲. بلاذری، *انساب*، ۴۶/۱؛ ضَب به معنی سوسمار است (نک: زبیدی، *تاج العروس*، ۵۰۳/۱). شاید دلیل مانند کردن قریش بطاح به آن، کم تحرکی و ملازمت با آشیانه باشد (قس: همان، ۲۵۰/۱).

۳. نک: ابن اثیر، *الکامل*، ۵۶۱/۱؛ ابن جوزی، ۲۲۶/۲-۲۲۷.

۴. بستنی، ۲۰۰/۳.

۵. نک: ابن منظور، ۳۱۶/۲.

۶. جمحی، ۲۵۰/۱-۲۵۲.

ستیزه‌جویی خاندان فهری گاهی تیره‌هایی از قریش را نیز در بر می‌گرفته است. منطقه ردم بنی جُمَح در مکه یادآور نبرد شدیدی است که در عهد جاهلیت میان بنی محارب بن فهر و بنی جُمَح بن عمرو رخ داد و در آن نبرد محاربین شمار فراوانی از جُمَحیان را کشتند.^۱

فهریان پس از اسلام

در سال‌های تیرگی روابط قریش با پیامبر(ص) و اسلام‌آوردگان، فهریان به دو شیوه نرم و سخت از در مقابل بر آمدند. در فاصله بعثت تا هجرت پیامبر(ص) به مدینه، یکی از فهریان به نام از قیله بن عامر در میان تمسخرکنندگان پیامبر بوده است.^۲ او هرگز اسلام نیاورده نامش در شمار صحابه نیامده است. در طول آن سال‌ها به‌خصوص، ضرار بن خطاب محاربی با سروده‌هایش در تقویت قریش می‌کوشید. ضرار که بهادری و جنگجویی را با شاعر مسلکی جمع کرده بود، همواره از دشمنان و مخالفان سرسخت دعوت پیامبر(ص) بوده است. ضرار پس از جنگ بدر و شکست قریش، شعری در رثای ابوجهل مخزومی سرود.^۳ پس از جنگ احد نیز در پاسخ مرثیه کعب بن مالک بر حمزة بن عبدالمطلب شعری سرود.^۴ او در جنگ احزاب، یکی از چهار جنگجوی قریش بود که توانستند از خندق مسلمانان بجهند.^۵ در روز جنگ خندق شعری شعری سرود که تا مدت‌ها آن را به سبب پرمایگی می‌ستوده‌اند و حتی بزرگانی چون امام علی(ع) در روز صفین و امام حسین(ع) در روز طف و نیز زید بن علی بدان تمثّل می‌جسته‌اند.^۶ می‌جسته‌اند.^۶ او پس از اسلام آوردن شعری برای پیامبر سرود.^۷ یکی از سروده‌های معروف او قصیده‌ای است که در سپاس‌گزاری از زن آرایش‌گری از قبیله دوس سروده است. این زن در جاهلیت مانع از قصاص ضرار و چند تن دیگر از قریش به دست دوسیان به سبب کشتن ابو اُزَیهر دوسی شده بود.^۸

۱. یاقوت، معجم‌البدان، ۴۰/۳؛ فاکهی، ۳۰۵/۳.

۲. ابن شهر آشوب، ۷۴/۱؛ مجلسی، ۶۲/۱۸.

۳. ابن هشام، ۲۹۴/۳.

۴. نک: همان، ۹۶/۴.

۵. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۴۸/۲؛ همو، الدرر، ۱۷۴.

۶. نک: ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، ۲۰۴/۱۹.

۷. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۴۸/۲.

۸. نک: ابن هشام، ۲۶۲/۲.

مقابله جنگجویان فهري با اسلام، پس از هجرت پیامبر به مدینه نیز ادامه یافت. کُرز بن جابر فهري فرمانده مهاجمانی بود که به مزارع پیرامون مدینه هجوم آورد؛ پیامبر تا وادی سَفَوَان در ناحیه بدر این مهاجمان را تعقیب کرد. این غزوه به بدر اولی مشهور است.^۱ نافع پسر عبد قیس از قریشینی بود که زینب دختر بزرگ رسول خدا را تعقیب کردند تا اجازه ندهند به مدینه نزد پیامبر هجرت کند.^۲ با این همه در میان این خاندان کسانی هم بودند که به یاری پیامبر برخاستند و حتی در شمار نخستین گروندگان به اسلام قرار گرفتند.

تحلیل اوضاع مسلمان شدگان فهري

از جمع سی و چهار نفره مسلمانان نسل اولی این گروه که نامشان در منابع آمده، نسب ۱۸ نفر به حارث بن فهري، عموی لؤی بن غالب، و نسب ۱۳ نفر به محارب بن فهري، عموی دیگر او، می‌رسد. سلسله نسب سه نفر دیگر در جایی ذکر نشده است.

الف. بنی حارث بن فهري

هجده تن از طایفه بنی حارث بن فهري در زمره نخستین مسلمانان بوده‌اند که به خاندان‌های فرعی‌تری چون بنو ضَبّه و بنو ظَرِب منسوب‌اند. نام‌آورترین خاندان در میان بنی ظَرِب، فرزندان عبد قیس بن لقیط، بوده‌اند. هم‌چنین فردی به نام مُعَمَّر بن عبد الله از این خاندان در مدینه شهرتی داشته است. از شاخه‌های بنی ضَبّه بن حارث خانواده‌ای است که به فرزندان بیضاء معروف‌اند. بیضاء نام یا شهرت مادرشان و نام پدرشان عمرو بن وهب بن ربیع^۳ و به قولی وهیب^۴ و به قولی دیگر وهب بن ربیع بوده است.^۵ هم‌چنین خانواده‌های عبد الله بن جراح، ابو ابو سرح بن ربیع^۶ بن هلال و زهیر بن ابی شداد فهري از دیگر شاخه‌های فرعی ضبه بوده‌اند. اسامی افراد خانواده زهیر بن ابی شداد در منابع دچار آشفتگی است. از این خانواده می‌توان نام

۱. بلاذری، *انساب*، ۲۸۷/۱؛ طبری، ۴۰۶/۲؛ مقریزی، ۷۴/۱.

۲. قرطبی، ۵۴/۸.

۳. نک: شیبانی، ۱۳۴/۲؛ ذهبی، سیر، ۱۷۰/۱.

۴. سمهودی، ۴۳۱/۱.

۵. نک: ابن کثیر، ۳۲۰/۳؛ عامری، ۹۵/۱؛ ذهبی، تاریخ، ۶۶۲/۲.

۵ تن را به دست آورد که وجود ۴ نفر از آنان محرز است و در تحولات تاریخ صدر اسلام نقش داشته‌اند.

بنی حارث و پیشگامی در پذیرش اسلام

تحلیل اطلاعات منابع ما را به این نتیجه می‌رساند که از ۱۸ صحابی شناخته شده این خاندان، ۱۳ تن تا قبل از هجرت پیامبر(ص)، اسلام آورده و نیمی از آنان به تصریح مورخان در زمره مهاجران به حبشه بوده‌اند. در فاصله هجرت تا فتح مکه تنها یک تن از این افراد به نام عیاض بن غنم اسلام آورده است و نیز تنها سه تن به نام‌های نافع و پسرش عقبه و یزید برادر ابو عبیده جراح، گمان می‌رود که پس از فتح مکه مسلمان شده یا به دنیا آمده باشند. شاید این امر اصلی‌ترین تفاوت آن‌ها با بنی محارب بن فهر باشد.

در میان نوادگان ظرب بن حارث، از سه پسر عبد قیس بن لقیط فهری دو تن به نام‌های حارث و سعید یا سعد، در شمار نخستین مسلمانان و از مهاجران حبشه بوده‌اند؛^۱ هرچند از سرگذشت و سرنوشت آنان پس از بازگشت از حبشه و گرایش فکری و سیاسی آنان و تاریخ وفاتشان اطلاعی در دست نیست.

سه پسر خانواده بیضاء به نام‌های سهل، سهیل و صفوان در شمار نخستین گروندگان به دعوت پیامبر بوده‌اند. بدیهی است که امکان خلط و اشتباه میان سهل و سهیل وجود داشته است. سهل بن بیضاء در مکه اظهار اسلام کرد. او در زمره چند نفری بود که برای ابطال صحیفه قریش بر ضد بنی هاشم کوشش کردند.^۲ او در مکه اسلام آورده بود، ولی آن را پنهان می‌کرد و حتی قریش او را به جنگ بدر هم فرستادند که در آنجا به اسارت مسلمانان درآمد و عبدالله بن مسعود شهادت داد که در مکه او را در حال گزاردن نماز دیده است. او در مدینه از دنیا رفت^۳ و رسول خدا در مسجد نبوی بر پیکرش نماز خواند، جایی که برادرش سهیل نیز در همانجا پس از بازگشت از غزوه تبوک از دنیا رفت.^۴ سهیل بن بیضاء به سرزمین حبشه مهاجرت کرد^۵ و چون اسلام آشکار شد به مکه بازگشت و همراه رسول خدا به مدینه هجرت

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۲۹۸/۱؛ ۵۹۹، ۶۲۶/۲؛ همو، الدرر، ۵۲.

۲. مقریزی، ۴۴/۱؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۶۵۹/۲-۶۶۰.

۳. سخاوی، ۴۳۱/۱.

۴. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۶۶۰/۲؛ ذهبی، تاریخ، ۶۶۲/۲.

۵. ابن عبد البر، الدرر، ۴۹.

کرد و از همین رو او را صاحب الهجرتین می‌گویند.^۱ او که چون ابوبکر در سال نهم هجری در مدینه از دنیا رفت^۲ و پیامبر بر پیکرش نماز گزارد.^۳ در باره زمان مرگ او اقوال دیگری نیز وجود دارد.^۴ پیامبر میان او و رافع بن عجلان یا رافع بن معلی پیوند برادری بست.^۵ عمرو، وهب و معمر پسران ابو سرح در شمار مسلمانان اولیه و از مهاجران به حبشه بوده و در بدر نیز حضور داشته‌اند.^۶ عمرو در سال ۳۰هـ در روزگار خلافت عثمان از دنیا رفت.^۷ درباره معمر نیز نوشته‌اند که در سال ۳۰هـ درگذشته است^۸ که این نشان می‌دهد یا معمر و عمرو نام تصحیف شده یک نفر است^۹ و یا خلط و مزجی در اخبار آن دو صورت گرفته است. عیاض پسر زهیر بن ابی شداد بن ربیع و عموی عیاض بن غنم^{۱۰} از مهاجران به حبشه بوده.^{۱۱} او در سال ۳۰هـ در شام^{۱۲} و به قولی در مدینه^{۱۳} از دنیا رفته است. دیگر فرد این خاندان عامر یا عمرو پسر حارث بن زهیر بن ابی شداد است که در مکه مسلمان شد و به گزارش ابن اسحاق در هجرت دوم به حبشه هجرت کرد.^{۱۴} ظاهراً کنیه پدرش ابو عمرو بوده است؛ زیرا گفته‌اند: عمرو بن ابی عمرو بن شداد از بنی ضبه است و ابن حجر او را همان عمرو بن حارث می‌داند.^{۱۵} ابن حبان بستی سلسله نسب او را به عمرو بن ابی عمرو بن زهیر بن ابی

۱. ابن کثیر، ۳/۳۲۰؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۲/۶۶۷.

۲. مشاط، ۷۶۷، ابن عماد، ۱/۱۳.

۳. ابن عبد البر، همان، ۲/۶۶۸.

۴. نک: سخاوی، ۱/۴۵۷.

۵. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۲/۷۲۳؛ ذهبی، تاریخ، ۳/۵۹۷.

۶. ابن عبد البر، همان، ۳/۱۱۷۶؛ ۴/۱۵۶۰؛ ابن کثیر، ۳/۳۲۳؛ ذهبی، تاریخ، ۳/۳۳۶.

۷. همو، ۳/۱۱۷۷.

۸. همو، ۳/۱۴۳۳.

۹. نک: ابن حنبل، ۱۶۹؛ ذهبی، همان.

۱۰. ذهبی، تاریخ، ۳/۳۳۵.

۱۱. ابن عبد البر، الدرر، ۵۲.

۱۲. همو، الاستیعاب، ۳/۱۲۳۳.

۱۳. بستی، ۲۷.

۱۴. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۲/۷۸۹؛ ۲/۱۱۷۱؛ همو، الدرر، ۵۸؛ ابن کثیر، ۳/۳۲۰-۳۲۳.

۱۵. ابن حجر، الاصابه، ۴/۵۵۰.

شداد بن ربیعہ بن ہلال^۱ و ذہبی آن را عمرو بن ابی عمرو بن حارث بن شداد رسانده است^۲ که اگر واژه «ابن» را از بین ابی عمرو و حارث برداریم، ناسازگاری میان اطلاعات بستی و ذہبی برطرف می‌شود. موسی بن عقبه نیز از شخصی به نام عمرو بن عامر بن حارث فہری به عنوان صحابی شرکت‌کننده در جنگ بدر نام برده است^۳ که به نظر می‌رسد خلطی رخ داده و درست آن همان عمرو بن ابی عمرو حارث بن زہیر بن ابی شداد است. او که در بدر ۳۲ سال داشت، به قولی در سال ۳۶ درگذشت.^۴

از شخصی به نام عثمان بن عبد غنم فہری به عنوان دیگر نواده زہیر بن ابی شداد نام برده‌اند. ہشام کلبی نامش را عامر و کنیہ‌اش را ابو نافع ضبط کرده است.^۵ او از مہاجران به حبشہ در ہجرت دوم بوده است.^۶ حاصل جمع تمام اخبار مربوط به عامر و عثمان می‌تواند ما را را به این گمان برساند کہ عامر بن عبد غنم ممکن است پسری به نام عثمان داشته و بدین ترتیب نسبت واقعی او عثمان بن عامر بن عبد غنم است. سفر او به حبشہ ہم می‌تواند در دورہ کودکی و به ہمراہ خانوادہ‌اش انجام شدہ باشد. در این صورت جایی برای اثبات برادری عثمان با عامر کہ ابن حجر گفته است،^۷ باقی نمی‌ماند. عیاض پسر غنم یا عبد غنم فہری نوادہ دیگر زہیر بن ابی شداد^۸ است. ہمسرش ام حکم دختر ابو سفیان بود.^۹ او از جملہ چند زنی بود کہ کہ اسلام را وانہادند و بہ مشرکان پیوستند.^{۱۰} ہنگامی کہ آیہ «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفِرِ»^{۱۱} نازل شد، عیاض او را طلاق داد.^{۱۲} عیاض بہ قولی پسرعموی ابو عبیدہ بن جراح و بہ قولی پسر

۱. بستی، ۲۷۰/۳.

۲. ذہبی، تاریخ، ۵۳۲/۳.

۳. نک: ابن کثیر، ۳۲۳/۳.

۴. بستی، همان، ۲۷۰/۳؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۱۹۵/۳؛ ابن حجر، الاصابہ، ۱۷۳/۷.

۵. ابن سعد، ۲۱۴/۴؛ ابن عبد البر، همان، ۱۰۳۷/۳.

۶. ابن حنبل، ۳۰۱.

۷. نک: ابن حجر، همان، ۵۹۱/۳؛ ۴۵۵/۴.

۸. ذہبی، تاریخ، ۲۱۷/۳؛ بلاذری، انساب، ۴۴۱/۱.

۹. ابن عبد البر، همان، ۱۲۳۵/۳.

۱۰. قرطبی، ۷۰/۱۸.

۱۱. ممتحنہ/۱.

۱۲. بخاری، صحیح، ۲۰۲۴/۵؛ مقریزی، ۳۰۴/۱؛ ۱۶۱/۶.

همسر عموی ابو عبیده بوده است.^۱ او پیش از حدیبیه مسلمان شده و در آن روز و در بیعت رضوان حضور داشته است.^۲ بدین ترتیب کسانی چون ذهبی که او را در شمار مسلمان نخستین نخستین و از اصحاب بدر دانسته‌اند،^۳ ظاهراً او را با عمویش عیاض بن زهیر اشتباه گرفته‌اند.^۴ از خانواده عبد الله بن جراح فهري دو مرد به نام‌های عامر معروف به ابوعبیده و برادرش یزید در شمار اصحاب رسول خدا قرار دارند. برخی ابو عبیده جراح را از مهاجران دوم حبشه دانسته‌اند.^۵ یزید بن عبد الله فهري برادر ابوعبیده بنا بر برخی اقوال مسلمان شده است.^۶

ب. بنی محارب

این شاخه از خاندان فھر را می‌توان به چهار گروه فرعی آل حبیب، وائله، عجمان و قیس بن خالد تقسیم کرد. جز آل حبیب، نیای بزرگ سه تیره دیگر عمرو بن شیبان است. صحابیان منتسب به آل حبیب گروهی از فهريان‌اند که نسبت طولی نزدیکی با هم نداشته و تنها در جد اعلای خود، حبیب بن شیبان، به هم می‌پیوسته‌اند. برجسته‌ترین آن‌ها ضرار بن خطاب فهري و پس از او کرز بن جابر، شداد بن عمرو و پسرش مستورد است. از خانواده وائله بن عمرو بن شیبان، نام سه نفر به نام‌های مسلمة بن مالک، پسرش حبیب و مَرَّة بن عمرو فهري، و از تیره عجمان تنها نام رباح بن معترف به عنوان صحابی در برخی از متون آمده است.^۷ از خانواده قیس قیس بن خالد فهري^۸ پنج تن، نامی از خود بر جای گذاشته‌اند. معروف‌ترین چهره این خاندان ضحاک بن قیس فهري است.^۹ دو خواهرش فاطمه و حزمه همسر سعید بن زید بن عمرو بن نُفیل، برادرش کلثوم و برادرزاده‌اش، سوید بن کلثوم، نیز در این گروه جای می‌گیرند.^{۱۰}

۱. شیبانی، ۱۵۳/۲.

۲. ذهبی، سیر، ۳۵۴/۲؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۲۳۴/۳.

۳. نک: ذهبی، تاریخ، ۲۱۶/۳.

۴. نک: ابن حجر، ۷۵۲/۴.

۵. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۹۳/۲، ۱۷۱۰/۴.

۶. نک: ابن حجر، الاصابه، ۵۲۳/۶.

۷. ابن حجر، همان، ۳۷۷، ۴۵۱/۲.

۸. ابن کثیر، ۲۴۳/۸.

۹. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۴۵/۲.

۱۰. ابن عبد البر، همان، ۱۸۱۰/۴-۱۹۰۱؛ ابن حجر، همان، ۲۲۸/۳، ۴۶۱/۵.

بنی محارب و تأخیر در پذیرش اسلام

از ۱۶ مرد و زن مسلمان شناخته شده این خاندان، تنها ۲ نفر تا زمان هجرت ایمان آورده بودند. سه تن پس از هجرت و پیش از فتح مکه به هواداران اسلام پیوستند و زمان اسلام آوردن یک نفر نیز نامعلوم است. ده صحابی شمرده شده باقیمانده پس از فتح مکه مسلمان شده‌اند. مُرّه بن عمرو وائلی^۱ و ضرار بن خطاب از مسلمان شدگان پس از فتح مکه‌اند.^۲

مردانی از آنان چون ضرار بن خطاب و کُرز بن جابر، سابقه سال‌ها جنگ با مسلمانان را داشته‌اند. ضرار یکی از چهار نفر قریشی بود که توانستند از خندق مسلمانان بپروند.^۳ گفت‌وگویش با ابو بکر و انصار حکایت از آن می‌کند که وی هرگز پیشینه دشمنی‌اش با مسلمانان را انکار نکرده است. روزی به ابو بکر گفت: ما برای قریش سودمندتر بودیم تا شما؛ آن‌ها را ما روانه بهشت کردیم و شما، روانه دوزخ. روزی میان اوس و خزرج اختلاف پیش آمده بود که دلاورترین قریش در جنگ احد ضرار بن خطاب بود یا دیگری، او گفت: من نمی‌دانم اوسی‌تان کیست و خزرجی‌تان کیست. فقط این را بدانید که در جنگ احد ۱۱ نفر از شما را با حورالعین تزویج کردم.^۴

کرز بن جابر که در ماه‌های نخست پس از هجرت پیامبر(ص) به مزارع مدینه یورش برده بود، بعدها مسلمان شد و پیامبر در سال ۶هـ او را با سپاهی به سوی غرنی‌ها که چوپان ایشان را کشته بودند فرستاد.^۵ او در جریان فتح مکه راه را گم کرد و به دست گروهی از مشرکان کشته شد.^۶ رباح بن معترف از خانواده عَجوان که نامش را به‌اختلاف روایت کرده‌اند، از کسانی است که پس از فتح مکه مسلمان شد.^۷ وی شریک تجاری عبدالرحمن بن عوف بوده و می‌توان

۱. ابن حجر، تقریب، ۵۲۵/۱؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ۳۲۰/۲۰؛ ابن قانع، ۵۸/۳.

۲. مقریزی، ۲۳۶/۱.

۳. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۴۸/۲.

۴. همو، ۷۴۹/۲.

۵. بلاذری، انساب، ۲۷۲/۱؛ ذهبی، تاریخ، ۳۵۶/۲.

۶. بلاذری، فتوح، ۴۸؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۳۱۰/۳؛ غرنی‌ها شاخه‌ای از اعراب قحطانی بوده‌اند (نک: ابن هشام، ۲۶۱/۱).

۷. ابن حجر، الاصابه، ۴۵۱/۲.

می‌توان گمان برد که روحیه سوداگری داشته است. خبری از آوازخوانی او نیز در سفر تجاری نقل شده است.^۱

ج. افراد غیر منسوب

این گروه کسانی‌اند که انتسابشان به فهر معلوم است، ولی سلسله نسبی که آنان را به محارب یا حارث می‌پیوندد دانسته نیست. سه تن از فهریان به نام‌های زیاد بن نعیم، ابو عبد الرحمن و پسرش علاء در این گروه جای گرفته‌اند. معروف‌ترین ایشان ابو عبد الرحمن فهری است. ابن حجر نام او را ایاس بن عبد الله دانسته است.^۲ هم‌چنین نامش را عبد، یزید بن ثعلبه، یزید بن انس و کرز بن ثعلبه نوشته‌اند.^۳ به‌علاوه از فردی به نام ایاس بن عبد الله بهزی نام برده‌اند که عبد الله بن یسار از او نقل کرده که در حنین حضور داشته است؛ به باور ابن حجر بهزی تصحیف‌شده فهری است و این دو نام متعلق به یک نفر است.^۴ شاید اگر نام اصلی او را یزید بن بن انس یا یزید بن انیس بدانیم، به واقعیت نزدیک‌تر باشد، زیرا در منابع شخصی به نام علاء بن یزید بن انیس به‌صراحت پسر ابو عبد الرحمن فهری خوانده شده است.^۵

ویژگی‌های مشترک فهریان

۱. جنگاوری

شهرت بیشتر افراد مسلمان شده بنی حارث چون دوران پیش از اسلام در رزمندگی و شرکت در جهاد است. از ۱۸ فرد صحابی شمرده شده بنی حارث بن فهر، ۱۲ تن شهرتشان در رزمندگی است و از ۱۲ مجاهد، ۱۰ تن در زمره شرکت‌کنندگان در جنگ بدر بوده‌اند. صفوان و سهیل پسران بیضاء نیز در جنگ بدر در کنار رسول خدا بوده‌اند.^۶ ابن سعد سهیل را از شهدای بدر دانسته است.^۷ سهیل بن بیضاء یکی از هشت مهاجرانی بود که در سریه

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۴۸۶/۲.

۲. ابن حجر، همان، ۱۶۷/۱.

۳. ابن عبد البر، همان، ۱۷۰۷/۴.

۴. نک: ابن حجر، همان، ۳۹۵/۱.

۵. نک: سیوطی، ۱۷۹/۱.

۶. ذهبی، سیر، ۳۸۴/۱؛ ابن کثیر، ۳۲۰/۳؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۶۶۷/۲.

۷. ذهبی، سیر، ۵۹۷/۳؛ ابن کثیر، ۳۲۰/۳؛ ابن عبد البر، الدرر، ۱۰۹.

عبدالله بن جحش شرکت کرده بوده‌اند.^۱ این خبر با خبر اسارت سهل در بدر به دست مسلمانان ناسازگار است، مگر آن که هم‌چون ذهبی این واقعه را مرتبط با سهیل بن بیضاء بدانیم.^۲ وهب پسر ابو سرح در جنگ موته در حالی که چهل ساله بود به شهادت رسید.^۳ عیاض پسر زهیر در بدر و دیگر جنگ‌های روزگار پیامبر حضور داشته.^۴ عمرو بن حارث بن زهیر نیز در بدر حاضر بوده است.^۵

خطیب بغدادی ادعا کرده که عیاض بن غنم در جریان فتح مدائن در صف یاران سعد بن ابی وقاص بوده و سپس به جمع سرداران فاتح شام پیوسته است.^۶ عیاض یکی از پنج سردار جنگ یرموک بود.^۷ ابو عبیده و پس از او عمر او را امارت دادند. او همه شهرهای جزیره و رقه نظیر حرّان و نصیبین را به صلح گشود و به گفته پیری از مردم آن‌جا صلح‌نامه او تا سده سوم هنوز نزد مردم این سرزمین بوده است.^۸ ابو عبیده جراح هنگام فتح حلب او را جلودار سپاه خود خود قرار داد.^۹ فتح شهر نصیبین در سال ۱۸هـ به روزگار خلافت عمر از جمله کارهای اوست.^{۱۰} او در سال ۲۰هـ در شصت‌سالگی در شام از دنیا رفت.^{۱۱}

عمر بن عبد الله معروف به ابو عبیده جراح در درجه نخست در جنگاوری و در درجه دوم در هم‌سویی با جریان حاکم قریش در تحولات سیاسی پس از رحلت پیامبر نقش‌آفرین است. در جنگ احد دو حلقه کلاهخود را که به گونه پیامبر فرو رفته بود با دندان خود در آورد و بدین سبب دو دندانش شکست.^{۱۲} کسی درباره حضور ابو عبیده جراح در بدر و حدیبیه،

۱. ابن کثیر، ۲۶۸/۳.

۲. ذهبی، تاریخ، ۴۹/۲.

۳. ابن حجر، الاصابه، ۴۸۹/۶.

۴. ابن سعد، ۴۱۷/۳؛ ابن تغری بردی، ۸۷/۱.

۵. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۸۹/۲؛ ۱۱۷۱/۲؛ همو، الدرر، ۵۸؛ ابن کثیر، ۳۲۰/۳-۳۲۳.

۶. خطیب، ۱۸۳/۱.

۷. ذهبی، سیر، ۳۵۴/۲.

۸. عصفری، ۱۳۹.

۹. بلاذری، فتوح، ۱۴۸.

۱۰. یعقوبی، ۲۰۴؛ حمیری، ۵۷۷.

۱۱. مقریزی، ۱۶۱/۶؛ ابن عماد، ۳۱/۱؛ عصفری، ۱۴۷؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۲۳۴/۳.

۱۲. خزاعی، ۳۸۱.

اختلافی ندارد. عمر پس از عزل خالد بن ولید او را برای نبرد به شام فرستاد.^۱ پیش از آن ابوبکر وی را به‌عنوان یکی از فرماندهان اصلی به نبرد در شام فرستاده بود.^۲ او در طاعون غمواس - که در سال ۱۸هـ در سرزمین اردن و فلسطین رخ داد- در ۵۸ سالگی درگذشت.^۳ با آن‌که در اسلام آوردن نافع بن عبد قیس پدر عقبه تردید است؛ ابن حجر با تردید نام او را در شمار صحابه پیامبر و شرکت‌کنندگان در فتح مصر ذکر کرده؛^۴ اگرچه نام و آوازه پسرش عقبه بیشتر است. عقبه پسر نافع فهری در شمار صغار صحابه قرار دارد. نافع بن عبد قیس برادر مادری عاص بن وائل^۵ و پسرش عقبه پسر خاله عمرو بن عاص بوده است. عقبه در زمان پیامبر زاده شد. عمرو عاص او را والی مصر و افریقیه کرد.^۶ او تا لواته و میزاته پیش رفت^۷ و در سال ۴۳هـ غدائس، سرزمین سودان و جاهایی دیگر را تصرف کرد.^۸ او در سال ۵۰هـ قیروان را ساخت^۹ و در سال ۶۳ در جنگ با کَسِیلَة بن لِمَزَمْ اُورَبی رهبر قبایل بربر اوره شمال آفریقا کشته شد.^{۱۰}

۲. هم‌سوایی با سیاست حاکم

داده‌های منابع حکایت از آن می‌کند که فهریان نسبت به قبیله قریش تعصب ویژه‌ای داشته‌اند. خط‌مشی افراد این قبیله در روزگار صدر اسلام گواهی بر این مطلب است، چنان‌که ضرار بن خطاب در جنگ بدر با خود عهد کرده بود که هیچ یک از افراد قریش را نکشد.^{۱۱} در روزگار چیرگی گفتمان «امامت قریش» بیشتر چهره‌های برجسته بنی محارب با خلیفگان نخستین و

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۹۳/۲، ۱۷۱۰/۴.

۲. بلاذری، فتوح، ۱۱۲.

۳. خزاعی، ۳۸۱؛ ابن عبد البر، همان، ۷۹۴/۲؛ ۱۷۱۱/۴.

۴. ابن حجر، الاصابه، ۳۲۲/۶.

۵. سیوطی، ۱۱۴/۱.

۶. عصفری، ۲۰۴.

۷. ابن عبد البر، همان، ۱۰۷۵/۳.

۸. عصفری، ۲۰۶؛ ابن تغری بردی، ۱۲۵/۱.

۹. یاقوت، ۲۲۹/۱؛ قلقشندی، ۱۱۲/۵.

۱۰. ابن عبد البر، همان، ۱۰۷۶/۳.

۱۱. جمحی، ۲۵۲/۱.

بنی امیه ارتباط نزدیکی داشتند و برخی از آنان در رخداد‌های سیاسی آن روزگار ایفای نقش کردند، چنان‌که فاطمه خواهر ضحاک بن قیس از مهاجران نخستین که زنی زیبا و خردمند بود، در پی کشته شدن عمر، اصحاب شورا در خانه او گرد آمدند.^۱ ابو عبیده جراح نیز از کسانی بود که در همین ماجرا و دیگر وقایع سیاسی چون سقیفه ایفای نقش کرد.^۲

از نمودهای بارز رفتارهای سیاسی فهریان، شرکت ایشان در فتوح بوده است، چنان‌که از حوادث زندگی ضرار بن خطاب آن است که چون بسیاری از هواداران آل امیه رهسپار شام شد و تا پایان عمر در آن جا به سر برد.^۳ از زندگی و شخصیت کلثوم برادر بزرگ‌تر ضحاک بن قیس^۴ قیس^۴ و زمان اسلام آوردنش اطلاعی نداریم. اگرچه صحابی خوانده شدن او نشان می‌دهد که او دست‌کم دوره پس از فتح مکه اسلام را درک کرده است. اما پسرش سوید بن کلثوم از فاتحان شام بوده و به گفته زبیر بن بکّار مدتی از سوی ابو عبیده جراح والی‌گری دمشق را بر عهده داشته است.^۵ ابو عبد الرحمن حبیب بن مسلمه فهری از جمله برجسته‌ترین مردان جنگی روزگار خلفای راشدین و سفیانیان است.^۶ مسافرت فراوان وی به روم موجب شده بود که به لقب حبیب الروم مشهور شود. او پیشینه شرکت در نبرد یرموک و فتح دمشق را در کارنامه دارد^۷ و به قولی در سال ۲۱هـ با لشکری از شامیان و کوفیان، آذربایجان را گشود.^۸ عمر بن خطاب پس از برکناری عیاض بن غنم مدتی حبیب را کارگزار خود بر جزیره و ارمنستان و آذربایجان قرار داد.^۹ یک بار عیاض بن غنم او را از سمیسط به ملطیه فرستاد و او آن شهر را گشود.^{۱۰} فتح دژ زبطره نیز به دست او انجام شد.^{۱۱} هنگامی که خلافت به عثمان

۱. ابن عبد البر، همان، ۱۸۱۰/۴-۱۹۰۱.

۲. نک: جعفری، ۴۹، ۵۱، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۹۳، ۱۶۴.

۳. خطیب، ۲۰۰/۱.

۴. ابن حجر، ۴۶۱/۵.

۵. نک: ابن حجر، ۲۲۸/۳.

۶. نک: جاحظ، ۲۹۷/۱.

۷. ذهبی، سیر، ۱۸۸/۳-۱۸۹.

۸. عصفری، ۱۵۱؛ ذهبی، تاریخ، ۲۴۱/۳.

۹. عصفری، ۱۵۵؛ ابن عبد البر، همان، ۳۲۰/۱.

۱۰. بلاذری، فتوح، ۱۸۵.

۱۱. همان، ۱۹۱.

رسید، او به کارگزار خود بر شام و جزیره، معاویه بن ابی سفیان، نامه نوشت و از وی خواست که حبیب بن مسلمه را به ارمنستان بفرستد؛ زیرا حبیب در جریان فتح شام خوش درخشیده بود.^۱ بود.^۱ در هنگامه شورش بر عثمان، معاویه او را با لشکری برای یاری خلیفه به مدینه فرستاد^۲ که در وادی القری خبر کشته شدن عثمان را دریافت کرد و به شام برگشت. او پیوسته در جنگ‌ها، مثلاً صفین همراه معاویه بود.^۳ یک بار معاویه او را همراه با گروهی به نزد امام علی(ع) علی(ع) فرستاد. او در حضور امام از عثمان به نیکی یاد کرد و یاران ایشان را به قتل او متهم کرد. امام نیز پاسخی درشت به او داد.^۴ حبیب در روز نخست نبرد صفین رویاروی مالک اشتر قرار گرفت.^۵ او فرماندهی جناح چپ سپاه معاویه را بر عهده داشت.^۶ حکایت‌های او درباره معاویه نشان می‌دهد که وی رابطه استواری با او داشته است.^۷ بلاذری از مشاجره امام حسن(ع) حسن(ع) با او خبر داده است. بر اساس این خبر، امام حسن(ع) حبیب را به سبب پیرویش از معاویه به طمع متاع دنیا سرزنش کرد.^۸ در سال ۴۲هـ معاویه او را والی ارمنستان کرد و او همان سال^۹ و ظاهراً در همان‌جا درگذشت.^{۱۰}

ضحاک بن قیس رئیس شرطه معاویه بود و پس از زیاد بن ابیه از سال ۵۳ تا ۵۷ والی کوفه بود.^{۱۱} در زمان امام علی(ع)، ضحاک بن قیس از سوی معاویه مأموریت یافت تا به قبیله‌های عرب هوادار امام شیبخون بزند^{۱۲} و هر کسی از شیعیان و یاران علی بن ابی طالب را که یافت از پای درآورد.^{۱۳} هنگامی که معاویه به منظور رویارویی با امام حسن بن علی رهسپار

۱. بلاذری، همان، ۱۹۶.

۲. ابن شبه، ۱۲۸۹/۴؛ ضبی، ۶۲.

۳. ابن عبد البر، همان، ۳۲۱/۱.

۴. نک: صفوت، ۳۳۵/۱.

۵. بلاذری، انساب، ۳۰۳/۲.

۶. عصفری، ۱۹۵.

۷. نک: ابن فضل الله عمری، ۳۵۴/۲۴.

۸. بلاذری، انساب، ۱۰/۳.

۹. عصفری، ۲۰۵.

۱۰. بستی، ۸۱/۳؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۳۲۱/۱.

۱۱. ابن تغری بردی، ۴۴/۱.

۱۲. بلاذری، انساب، ۴۳۷/۲.

۱۳. ابو الفرج، ۲۸۵/۱۶.

عراق شد، ضحاک بن قیس را جانشین خود در شام قرار داد.^۱ در سال ۵۳هـ معاویه او را والی کوفه کرد.^۲ معاویه در آستانه مرگش، ضحاک بن قیس و مسلم بن عقبه مری را مأمور کرد تا موضوع جانشینی را با پسرش یزید در میان گذارد و ذهن او را برای پذیرش منصب خلافت آماده کند.^۳ ضحاک در جریان بیعت ستاندن از بزرگان برای یزید نیز ایفای نقش کرد^۴ و تا زمان مرگ یزید همراه او و پسرش معاویه دوم بود. او معاویه را ستون خیمه عرب می‌دانست^۵ و همو بود که بر پیکر معاویه نماز گزارد.^۶ اما پس از روی کار آمدن مروان، ضحاک در یک چرخش از امویان به سمت شاخه دیگری از قریش یعنی زبیریان، از بیشتر شامیان برای عبدالله بن زبیر بیعت گرفت و تاوان آن را هم پس داد؛ زیرا در سال ۶۴هـ در جنگ با مروان در مرج راهط با نیرنگ عبید الله بن زیاد کشته شد.^۷

به نظر می‌رسد مستورد بن شداد فهری از بنی محارب نیز در نبردهای عراق و شام و مصر شرکت داشته است. او مدتی در کوفه سکونت اختیار کرد و به واسطه حضورش در فتح مصر، چندی نیز در آن سرزمین مقیم شد، تا این که در سال ۴۵هـ در اسکندریه درگذشت.^۸ در برخی از منابع شیعی از فردی به نام مسور بن شداد فهری به عنوان یکی از اصحاب و هواداران علی بن ابی طالب (ع) یاد شده^۹ که بی‌گمان تصحیف واژه مستورد است. هم‌چنین عمرو بن ابی عمرو نواده زهیر بن ابی شداد از شاخه بنی حارث فهر، بعدها در شمار یاران امام علی (ع) قرار گرفت و در جنگ جمل شرکت داشت.^{۱۰} این دو خبر اگر درست باشد، از موارد نادر گرایش سیاسی و عقیدتی در میان خاندان فهر است.

۱. خطیب، ۲۰۷/۱؛ بلاذری، انساب، ۳۶/۳.

۲. عصفری، ۲۱۹.

۳. صفوت، ۱۸۷/۲؛ جاحظ، ۲۸۰/۱.

۴. نک: صفوت، ۲۳۶/۲-۲۳۸.

۵. همان، ۲۷۹/۲.

۶. ذهبی، سیر، ۱۶۰/۳.

۷. نک: ابن کثیر، ۲۴۱/۸؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۷۴۵/۲.

۸. ابن عبد البر، همان، ۱۴۷۱/۴؛ ابن مستوفی، ۳۳۴/۲.

۹. نک: امین، ۲۵/۱.

۱۰. امینی، ۴۵۱/۲.

نام سه فهری تبار فاقد سلسله نسب نیز به شکلی با تحولات سیاسی و نظامی گره خورده است. ابو عبد الرحمن پیامبر را دیده بود.^۱ او به قولی پس از فتح مصر به این سرزمین کوچید و نوادگانش در آن جا زندگی می‌کرده‌اند؛^۲ این در حالی است که سیوطی از قول ابن عبد الحکم الحکم نوشته که وی به مدینه بازگشته و در واقعه حره از دنیا رفته است.^۳ زیاد بن نَعیم فهری در جریان محاصره و اشغال خانه عثمان کشته شد.^۴ ابن کثیر او را از یاران برجسته عثمان دانسته است.^۵ اگر چه ابن عبد البر روایتی از او ندیده،^۶ ولی طبرانی در سلسله راویان یک حدیث ضعیف نام زیاد فهری را آورده است.^۷

۳. روایتگری اخبار

مایه شگفتی است که در میان آل فهر، بین پیشگامی در پذیرش اسلام و نقل روایت نسبت عکس وجود دارد؛ بدین ترتیب که در میان بنی حارث با وجود سابقه بیشتر در اسلام، از کسی که شهرتش تنها در روایتگری اخبار یا احادیث باشد در منابع یاد نشده است. حتی ابو عبیده جراح با وجود فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، برخلاف برخی از صحابی شمرده‌شدگان، روایات اندکی از پیامبر نقل کرده است.^۸ هم‌چنین اهل سنت تنها یک خبر به نقل از عیاض بن غنم در موضوع تکتف پیامبر(ص) در هنگام نماز نقل کرده‌اند.^۹ کسی از عیاض بن زهیر دیگر فرد این خاندان روایت نکرده؛^{۱۰} اما از سخن ابن کثیر بر می‌آید که وی شهرتی هم در علم قرائت داشته است.^{۱۱} در مقابل، شمار اندکی از فهریان که به‌طور عمده از محاربان بوده‌اند، به سبب نقل روایت شهرت داشته‌اند. رباح بن معترف که صحبتی با پیامبر داشته و خبری از آوازخوانی

۱. ابن حنبل، ۱۶۶.

۲. ابن یونس، ۳۸۳/۱، ۵۲۲.

۳. سیوطی، ۱۷۹/۱.

۴. ابن عبد البر، الاستیعاب، ۵۳۴/۲؛ طبری، ۶۷۱/۲؛ ۳۸۳/۴.

۵. ابن کثیر، ۱۸۸/۷.

۶. همان.

۷. نک: هیثمی، ۸۹/۸.

۸. نک: ذهبی، سیر، ۶/۱.

۹. نک: بستی، ۳۰۹/۳.

۱۰. ذهبی، سیر، ۳۵۵/۲.

۱۱. نک: ابن کثیر، ۱۵۶/۷.

او در سفر تجاری نقل شده، پسرش عبدالله از جمله عالمان بوده است.^۱ مستورد بن شداد فهری فهری خبر دیدار پدرش را با پیامبر روایت کرده است.^۲ مرة بن عمرو از خاندان واثله از مردم مدینه است. بستی بدون ذکر سلسله نسب، او را از بنی حارث بن فهر دانسته است؛^۳ ولی ابن حجر، طبرانی و عبد الباقي بن قانع نسب او را به واثله بن شیبان بن محارب بن فهر رسانده‌اند؛ دخترش ام سعد از او روایت کرده،^۴ از جمله درباره پاداش بهشت برای کسی که سرپرستی یتیمی را بر عهده بگیرد.^۵

ضحاک بن قیس با وجود شهرتش در جنگاوری و با آن که گفته‌اند هفت سال پیش از وفات پیامبر به دنیا آمده و از او سخنی نشنیده،^۶ حدیث روایت کرده است. حسن بصری در موضوع فتنه‌ها و تمیم بن طرفه در نکوهش دنیا از او روایت کرده‌اند.^۷ روایاتی که اهل سنت از او نقل کرده‌اند به‌طور عمده در موضوع فتنه و ضرورت فرمان‌روایی قریش است^۸ که قرن‌ها دیدگاه سیاسی غالب در میان فقهای اهل سنت بوده است.^۹ هم‌چنین او از قول پیامبر(ص) سخنی درباره لزوم اخلاص در عمل و شرک نوزیدن به خداوند نقل کرده است.^{۱۰}

حبیب بن مسلمه اگرچه از پیامبر حدیث شنیده است؛^{۱۱} اما روایت چندانی ندارد^{۱۲} و حتی روایاتی که در فضیلت او از سوی راویان اهل سنت نقل شده است، به نوعی با شخصیت

۱. ابن عبد البر، همان، ۴۸۶/۲.

۲. نک: ابن حجر، الاصابه، ۳۲۳/۳.

۳. نک: بستی، ۳۹۸/۳.

۴. نک: هیثمی، ۱۶۳/۸؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۳۸۲/۳.

۵. نک: شیبانی، ۱۲۷/۲؛ بخاری، ۶۰؛ ترمذی، ۳۲۰/۴؛ رویانی، ۴۶۳/۲.

۶. ابن عبد البر، همان، ۴۵/۲.

۷. همان، ۷۴۶/۲.

۸. نک: طبرانی، المعجم الکبیر، ۲۹۸/۸؛ شیبانی، ۱۳۶-۱۳۸.

۹. نک: قادری، ۳۵.

۱۰. نک: قرطبی، ۱۴۶/۲؛ ۱۸۰/۵؛ مقدسی، ۸۹/۸.

۱۱. حاکم نیشابوری، المستدرک، ۳۸۹/۳.

۱۲. ذهبی، سیر، ۱۸۸/۳.

جنگجوی او در ارتباط است.^۱ از زندگی پدرش مسلمة بن مالک چیزی نمی‌دانیم جز آن‌که روایت دیدارش با پیامبر(ص) را نقل کرده است.^۲

شداد بن عمرو بن حسل از آل حبیب بن شیبان، شهرتی در بهادری و رزمندگی ندارد. از او روایتی نقل شده که ادعا کرده است با پیامبر دست داده و دریافته که دست حضرت(ص) نرم‌تر از حریر و سردتر از برف بوده است.^۳ پسرش مستورد بن شداد فهري با این‌که در هنگام وفات پیامبر نوجوان بود؛ ولی از ایشان سماع حدیث داشته است.^۴ چند حدیث به نقل از او در منابع اهل سنت ذکر شده است.^۵ علی بن رباح و ابو عبد الرحمن حبلی از او روایت کرده‌اند.^۶ قیس بن ابی حازم از او به نقل از رسول خدا(ص) سخنی در باب رابطه دنیا و آخرت آورده است.^۷ هم‌چنین حدیثی در استحباب تخلیل انگشتان پا در هنگام وضو،^۸ حدیثی درباره نقرس^۹ نقرس^۹ و حدیثی در خصوص چهار خصلت قریشیان^{۱۰} نقل کرده است.

از کسانی که حارثی یا محاربی بودن شان را نمی‌دانیم، ابوعبد الرحمن فهري در جنگ حنین همراه پیامبر بوده و اوضاع آن را وصف کرده است^{۱۱} و به گفته خودش در جنگ خیبر نیز حضور داشته است.^{۱۲}

۱. نک: شیبانی، ۱۲۸-۱۳۳.

۲. ابن حجر، الاصابه، ۱۱۵/۶؛ ابن عبد البر، همان، ۱۳۹۸/۳.

۳. ابن حجر، الاصابه، ۳۲۳/۳.

۴. ابن مستوفی، ۳۳۴/۲.

۵. نک: ابن حجر، الاصابه، ۹۰/۶؛ بزاز، ۳۸۷/۸-۳۹۱.

۶. ابن یونس، ۴۷۰/۱؛ ذهبی، تاریخ، ۱۴/۴.

۷. نک: شیبانی، ۱۲۵/۲؛ قرطبی، ۳۲۰/۴؛ حاکم نیشابوری، ۶۸۳/۳؛ طبرانی، المعجم الصغیر، ۳۲۹/۱.

۸. ترمذی، ۵۶/۱.

۹. هیثمی، ۱۰۰/۵.

۱۰. همان، ۲۶/۱۰.

۱۱. مقریزی، ۶۸/۵؛ ابن عبد البر، الاستیعاب، ۱۲۷/۱؛ ۱۷۰۸/۴؛ سیوطی، ۱۹۹/۱؛ ابن حجر، ۶۴۸/۶.

۱۲. ابو الشیخ، ۴۵۸/۲.

۴. شأن و جایگاه اجتماعی

عموم کسانی که از آن‌ها به عنوان صحابی یاد شده است، خواه در شمار مردان جنگی بوده و خواه نقش روایتگری داشته‌اند از احترام برخوردار بوده‌اند. حتی به مواردی برمی‌خوریم که شخصیت و نقش برخی از افراد را از لابلای غبار تاریخ نمی‌توانیم دریابیم، ولی برجستگی آنان را به‌اجمال می‌توانیم استنباط کنیم. در برخی از منابع نام مردی به نام معمر بن عبد الله آمده است. ابن حجر جد او را عامر بن ایاس بن ظرب بن حارث بن فهر دانسته است که چون ظرب بن حارث پسری به نام ایاس نداشته،^۱ می‌توان گمان برد که او به عامر بن امیه بن ظرب منسوب است. او که در مدینه ساکن شد،^۲ طبعا دارای موقعیتی در جامعه بوده است. به گفته ابن شبه او در محله بنی زریق بین خانه مدراقیس طبیب و خانه عمرو بن عبد الرحمن بن عوف زندگی می‌کرد. در ذیل بحث خانه‌های بنی محارب بن فهر نامی از مدراقیس طبیب می‌آید.^۳

نتیجه

از مجموع داده‌های منابع این نتایج به دست می‌آید:

۱. **چیرگی مطلق مردان فهری.** آن‌گونه که از جدول توزیع فراوانی ۱ بر می‌آید، بیش از ۹۴٪ فهریانی که نامشان در متون اولیه تاریخ اسلام آمده، از مردان بوده‌اند. اشتغال این تیره از قریش به امور جنگی و زیستن آنان در حاشیه شهر مکه و در نتیجه، به شمار رفتن آنان از «قریش ظواهر» از دلایل آن است. نام فاطمه و حزمه دو زن فهری‌نسب نیز بیشتر به سبب انتسابشان به جنگاور معروف، ضحاک بن قیس و نیز به زید بن عمرو بن نفیل، خویشاوند عمر بن خطاب، در منابع حفظ شده است.

افراد نسل اول مسلمانان فهر به تفکیک جنسیت

ردیف	نام تیره	تعداد مردان	تعداد زنان	جمع
۱	بنی حارث	۱۸	۰	۱۸
۲	بنی محارب	۱۱	۲	۱۳
۳	نامعلوم	۳	۰	۳

۱. نک: ابن حزم، ۱۷۷.

۲. ابن حجر، ۱۸۹/۶.

۳. سمهودی، ۲۶۷/۲.

۳۴	۲	۳۲	جمع کل:	
%۱۰۰	%۵/۹	%۹۴/۱	درصد:	

جدول شماره ۱

۲. پیشگامی حارثیان بر محاربین در پذیرش اسلام. در جدول ۲ افراد را به لحاظ زمان اسلام آوردن در چهار گروه دسته‌بندی کرده‌ایم. گروه ۱ کسانی‌اند که در مدت سیزده ساله بعثت و پس از هجرت پیامبر(ص) به مدینه اسلام آورده‌اند. گروه ۲ در فاصله هشت ساله هجرت تا فتح مکه مسلمان شده‌اند. گروه ۳ پس از فتح مکه تا زمان وفات پیامبر(ص) به دنیا آمده و یا اسلام آورده‌اند. گروه ۴ شامل کسانی است که اطلاعی از زمان مسلمان شدنشان نداریم. اگرچه در نهایت رقم کل فهریان مسلمان شده گروه ۱ و ۳ به هم نزدیک است، اما پس از تفکیک دو گروه بنی حارث و بنی محارب، رقم‌ها اختلاف معناداری پیدا می‌کنند؛ چنان که بیش از ۷۲٪ از بنی حارث در گروه ۱ جای می‌گیرند؛ در حالی که ۷۷٪ بنی محارب در گروه ۳ قرار دارند. این آمار نشان می‌دهد که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در آن دوره به صورت قبیله‌ای و دسته‌جمعی انجام می‌شده است.

ترتیب اسلام آوردن افراد شناخته‌شده از تیره فهر

(بر اساس نفر)

ردیف	نام تیره	گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴	جمع
۱	بنی حارث	۱۳	۱	۳	۱	۱۸
	درصد:	%۷۲/۲	%۵/۵	%۱۶/۸	%۵/۵	%۱۰۰
۲	بنی محارب	۲	۱	۱۰	۰	۱۳
	درصد:	%۱۵/۳	%۷/۷	%۷۷	۰	%۱۰۰
۳	نامعلوم	۰	۲	۰	۱	۳۲
	درصد:	۰	%۶۷	۰	%۳۳	%۱۰۰
	جمع کل:	۱۵	۴	۱۳	۲	۳۴
	در صد کل:	%۴۴/۱	%۱۱/۸	%۳۸/۲	%۵/۹	%۱۰۰

جدول شماره ۲

۳. غلبه روح جنگاوری. آمار جدول ۳ نشان می‌دهد که در میان خاندان فهری کسی که آوازه اش صرفاً به واسطه شیخوخت و ریاست قبیله و یا رسیدن به مقام‌های سیاسی در روزگار خلفا

باشد یا این که تنها به واسطه سرودن اشعار، نامی از خود گذاشته باشد وجود ندارد. درست است که نام کسانی چون ابو عبیده جراح، ضحاک بن قیس و عقبه بن نافع در ذیل تاریخ سیاسی صدر اسلام می‌آید و نیز ضرار بن خطاب شاعری توانا بوده است، به گواهی اطلاعات منابع، جنبه رزمندگی و بهادری اینان افزون‌تر از شاعری و سیاست‌ورزی بوده است.

۴. اندک‌شماری راویان فهری. نزدیک به ۳٪ فهریان در نقل خبر و روایت شهرتی داشته‌اند که همه آنان از بنی محارب بوده‌اند. حتی بیشتر کسانی که شهرتشان در امور دیگر است؛ ولی در منابع حدیثی اهل سنت روایاتی از ایشان نقل شده از بنی محارب بوده‌اند. شاید بدین سبب که چهره‌های مسلمان سابقه‌دار از بنی حارث در روزگار پیامبر(ص) به شهادت رسیده یا از دنیا رفته‌اند.

۵. ناشناخته بودن شخصیت حدود یک سوم. نام بیش از ۳۰٪ فهریان نیز به سبب انتساب به فرد معروف‌تر یا انتساب به خاندان فهری یا در ارتباط با رخدادی باقی مانده است و ما از شخصیت واقعی آن‌ها بی‌اطلاعیم.

وجه شهرت و عامل ماندگاری نام

ش	تیره	شعر	نقل	جنگ	سیاست	ثروت	جایگاه	انتساب
۱	حارث	۰	۰	۱۲	۰	۰	۰	۶
	درصد:	۰	۰	٪۶۷	۰	۰	۰	٪۳۳
۲	محارب	۰	۱	۶	۰	۱	۰	۵
	درصد:	۰	۷/۷	٪۴۶/۱	۰	٪۷/۷	۰	٪۳۸/۵
	نامعلوم	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۱۱
	درصد:	۰	۰	٪۱۰۰	۰	۰	۰	۰
	جمع کل:	۰	۱	۲۱	۰	۱	۰	۱۱
	درصد کل:	۰	٪۲/۹	٪۶۱/۸	۰	۲/۹	۰	٪۳۲/۴

جدول شماره ۳

۶- امکان کاربرد آمار در پژوهش‌های تاریخی. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در صورتی که بتوان از روش کمی‌سازی مدل‌های کیفی به‌خوبی بهره جست، در تمامی حوزه‌ها به‌خصوص تاریخ اجتماعی، به‌طور اخص با بهره‌گیری از کتب انساب قبایل می‌توان تحلیل نسبتاً جامعی از اوضاع اجتماعی، فکری و فرهنگی هر دوره به دست آورد.

کتابشناسی

قرآن کریم.

ابن اثیر، عز الدین محمد، *الکامل فی التاریخ*، به کوشش ابو الفداء عبد الله القاضی، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م.

ابن تغری بردی، ابو المحاسن، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، القاهرة، المؤسسة المصرية العامة للتألیف و الترجمة و الطباعة و النشر.

ابن جوزی، ابو الفرج عبد الرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ ملوک الامم*، به کوشش محمد و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، به کوشش علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۳م.

همو، *تقریب التهذیب*، به کوشش محمد عوامه، سوریا، دار الرشید، ۱۴۰۶هـ/۱۹۸۶م.

ابن حزم، علی، *جمهرة انساب العرب*، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۸هـ.

ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسائل الامام احمد*، به کوشش فضل الرحمن دین محمد، دلهی، دار العلمية، ۱۹۸۸م.

ابن شبه نمیری، ابو زید عمر، *تاریخ المدینة المنورة*، قم، دار الفکر، ۱۳۶۸ش.

ابن شهر آشوب مازندرانی، ابو جعفر رشید الدین محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹هـ.

ابن سعد، ابو عبدالله محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر.

ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲هـ.

همو، *الدرر فی اختصار المغازی و السیر*، القاهرة، دار المعارف، ۱۴۰۳هـ.

ابن عماد حنبلی، عبد الحی بن احمد، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، به کوشش شعیب ارنأووط و محمد نعیم العرقسوسی، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۳هـ.

ابن فضل الله عمری، شهاب الدین احمد بن یحیی، *مسالك الابصار فی ممالک الامصار*، ابو ظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۳هـ.

ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، مکتبه المعارف.

ابن مستوفی، شرف الدین بو البرکات، *تاریخ اربل*، بغداد، دار الرشید، ۱۹۸۰م.

ابن منظور افریقی، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.

ابن هشام، ابو محمد عبد الملک، *السیرة النبویة*، به کوشش طه عبد الرؤوف سعد، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱هـ.

ابن یونس، عبد الرحمن بن احمد، *تاریخ ابن یونس المصری*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱هـ.

ابو الشیخ اصفهانی، ابو محمد عبد الله، *اخلاق النبی صلی الله علیه و سلم و آدابه*، به کوشش صالح بن محمد الونیات، ریاض، دار المسلم، ۱۹۹۸م.

ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین، *الاغانی*، به کوشش سمیر جابر، بیروت، دار الفکر، بی تا.

العلی، صالح احمد، «المعالم العمرانیة فی مکه المکرمة فی القرنین الاول و الثانی»، *المجمع العلمی العراقی*، ش ۶۷، ۱۴۰۹هـ.

النص، احسان، «کتاب نسب قریش...»، *مجمع اللغة العربیة بدمشق*، مجلد ۶۸، جزء ۴، ربیع الآخر ۱۴۱۴هـ.

امین عاملی، سید محسن، *اعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳هـ.

امینی، محمد هادی، *اصحاب امیر المومنین علیه السلام و الرواة عنه*، بیروت، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲هـ.

بخاری، محمد بن اسماعیل، *الادب المفرد*، به کوشش محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت، دار البشائر الاسلامیة، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.

همو، *صحیح البخاری*، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م.

بستی، ابو حاتم محمد بن حبان، *الثقات*، به کوشش شعیب ارناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۵هـ/۱۹۹۳م.

بزاز، ابوبکر احمد بن عمرو، *مسند البزاز*، به کوشش محفوظ الرحمن زین الله، بیروت-مدینة، مؤسسة العلوم القرآن- مکتبه العلوم و الحکم، ۱۴۰۹هـ.

بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷هـ.

همو، *فتوح البلدان*، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳هـ.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر، البیان و التبیین، به کوشش محامی فوزی عطوی، بیروت، دار صعب، ۱۹۶۸م.

جعفری، حسین محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سید محمد تقی آیه اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.

جمعی، محمد بن سلام، طبقات فحول الشعراء، به کوشش محمود محمد شاکر، جدة، دار المدنی. حاکم حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱هـ.

حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، به کوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۰م.

حمیری، محمد بن عبد المنعم، الروض المعطار فی خبر الاقطار، بیروت، مکتبة لبنان، ۱۹۸۴م.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة.

خزاعی تلمسانی، ابو الحسن علی بن محمود بن سعود، تخریج الدلالات السمعیة علی ما کان فی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم من الحرف و الصنائع و العمالات الشرعیة، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار الغرب الاسلامیة، ۱۴۰۵هـ.

ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۹هـ. همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب ارنأؤوط و محمد نعیم عرقسوسی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳هـ.

رحمتی، محمد کاظم، «ساختار اجتماعی سیاسی حجاز قبل از اسلام»، حکومت اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۶ش.

رویانی، ابوبکر محمد بن هارون، مسند الرویانی، به کوشش ایمن علی ابو یمانی، قاهرة، مؤسسة قرطبة، ۱۴۱۶هـ.

سقاوی، شمس الدین، التحفة اللطیفة فی تاریخ المدینة الشریفة، به کوشش منیره ناجی سالم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۳م.

سمهودی، نور الدین علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۶م.

سیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن، *حسن المحاضرة فی اخبار ملوک مصر و القاهرة*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸هـ.

شیبانی، احمد بن عمرو، *الاحاد و المثنائی*، به کوشش باسّم فیصل الجوابرة، ریاض، دار الراهیة، ۱۴۱۱هـ/۱۹۹۱م.

صفوت، احمد زکی، *جمهرة خطب العرب فی عصور العربیة الزاهرة*، قاهرة، المكتبة العلمیة. ضبی، سیف بن عمر، *الفتنة و وقعة الجمل*، به کوشش احمد راتب عرموش، بیروت، دار النفائس، ۱۳۹۱هـ.

طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷هـ. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الصغیر*، به کوشش محمد شکور محمود الحاج امریر، بیروت-عمان، المکتب الاسلامی - دار عمار، ۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م.

همو، *المعجم الکبیر*، به کوشش حمدی بن عبد المجید السلفی، موصل، مکتبة العلوم و الحکم، ۱۴۰۴هـ/۱۹۸۳م.

عامری، عماد الدین یحیی بن ابی بکر، *بھیجة المحافظ و بغیة الامائل*، بیروت، دار صادر، بی تا. عصفری، خلیفة بن خیاط، *تاریخ خلیفة بن خیاط*، به کوشش اکرم ضیاء العمری، دمشق-بیروت، دار القلم - مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۷هـ.

فاکهی، محمد بن اسحاق، *اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه*، به کوشش عبدالله دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴هـ.

قادر، حاتم، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، سمت، ۱۳۷۸ش. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، به کوشش احمد عبد العلیم البردونی، قاهرة، دار الشعب، ۱۳۷۳هـ.

قلقشندی، احمد بن عبدالله، *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، به کوشش یوسف علی طویل، دمشق، دار الفکر، ۱۹۸۷م.

مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۳ش. مشاط، حسن بن محمد، *اثارة الدجی فی مغازی خیر الوری*، جدة، دار المنهاج، ۱۳۹۹هـ.

مقدسی، ابو عبدالله محمد بن عبد الواحد، *الاحادیث المختارة*، به کوشش عبد الملک بن عبدالله دهیش، مکه المکرمة، مکتبة النهضة الحدیثة، ۱۴۱۰هـ.

مقرىزى، تقى الدين، *امناع الاسماع بما للنبي من الاحوال و الاموال و الحفدة و المتاع*، بيروت، دار الكتب العلمية.

وتر، محمد ضاهر، «الحمس من قبائل العرب»، *مجلة التراث العربى*، چاپ دمشق، ش ٨١ و ٨٢، رجب و ذوالحجة، ١٤٢٢هـ.

هيثمى، على بن ابى بكر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، قاهرة و بيروت، دار الريان للتراث و دار الكتاب العربى، ١٤٠٧هـ.

يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، *البلدان*، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٣هـ.

ياقوت حموى، *معجم البلدان*، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م.